

صلى الله عليه وسلم



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

تصحیح انتقادی «سلک الجواهر» با مقدمه و تعلیقات

استاد راهنما:

دکتر تقی پورنامداریان

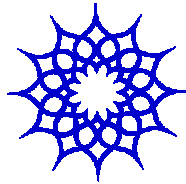
استاد مشاور:

دکتر سید مهدی طباطبایی

پژوهشگر:

رضا صادقی

شهریو ماه 1395



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ 1395/07/07

پایان نامه تحصیلی آقای رضا صادقی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

تحت عنوان :

تصحیح انتقادی "سلک الجواهر" با مقدمه و تعلیقات

را بررسی کردند و پایان نامه با نمره ۱۹/۵ و درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

1. امضا استاد راهنمای پایان نامه، جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان
2. امضا استاد مشاور پایان نامه، جناب آقای دکتر سید مهدی طباطبایی
3. امضا استاد داور پایان نامه، جناب آقای دکتر نعمت الله ایران زاده
4. امضا رییس پژوهشکده، جناب آقای دکتر یوسف محمد نژاد عالی زمینی
5. امضا مدیر تحصیلات تکمیلی، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی فر

سپاس بی‌کران خدای مَنان را که توفیقِ زیستِ حاصل‌مان و بارِ امانت رسالت‌مان شد. اگر نبود همراهی و همیاری همسر عزیزم و دختر نازنینم این پژوهش به فرجام نمی‌رسید. واجب می‌دانم از زحمات استاد راهنمای ارجمندم؛ دکتر تقی پورنامداریان که با نگاه موشکافانه و ژرف‌بین‌شان؛ پدروار، مرا راهنمایی نمودند و استاد مشاور گرافمایه‌ام، دکتر سید مهدی طباطبایی که با متانت و صبوری مرا مشاوره دادند، قدردانی کنم.

همچنین جا دارد از زحمات مادربزرگم، یگانه برادرم، خواهرانم، دایی‌هایم محمد و قدرت، خاله‌ها، مادرخانم و پدرخانم عزیزم میر عزیز قاسم‌زاده تشکر کنم.

اگر نبود راهنمایی، همکاری، گره‌گشایی، نکته‌سنجی و نکته‌گویی‌های اساتید و سروان عزیزی که نام‌شان در ذیل آورده می‌شود، این پژوهش صورت نمی‌پذیرفت. بر خود وظیفه می‌دانم از تک‌تک‌شان قدردانی نمایم.

اساتید ارجمند: خانم دکتر طاهره ایشانی، خانم دکتر زهرا پارساپور، دکتر ابراهیم دیباجی، دکتر ابوالقاسم رادفر، دکتر عارف نوشاهی (پاکستان)، دکتر نعمت‌الله ایران‌زاده، دکتر ناصر محسنی‌نیا، دکتر حسین متقی، دکتر توفیق هاشم‌پور سبحانی، دکتر هومن پناهنده، دکتر حسن‌زاده نیری (ترکیه)، دکتر محمد راغب و خانم دکتر میرشمس شهشانی، دکتر تورقای شفق (رئیس محترم مرکز فرهنگی یونس امره).

آقایان: سید محمدتقی حسینی (ترکیه)، خانم حرّی (کتابخانه دانشگاه تهران)، خانم کونانی (کتابخانه دانشگاه تهران)، خانم طاهری (کتابخانه ملی)، خانم یاجم (کتابخانه ملی تبریز)، آقای تقی پور (کتابخانه ملی تبریز)، آقای فاضلی (نوه آیت الله فاضل خوانساری متولی کتابخانه مذکور)، آقای زمانی نژاد (کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی قم)، آقای رادفر (کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی)، آقای اشکوری (کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم)، آقای محقق طباطبایی (قم)، خانم طهماسبی، آقای حاج باقری (کتابخانه آیت الله مرعشی قم)، خانم سعیدی، آقای کاظم زاده (پژوهشگاه علوم انسانی)، آقای ظافر (کتابدار مرکز کشف الغطاء عراق).

به علاوه دوستان عزیزم: بهمن بنی‌هاشمی، آرمان فرج‌اللهی، محسن حسنی، علی جام‌حمیدی، بهنام بدیعی‌نیا، جلیل حضرتی، محمد خاوری، غلامرضا حضرتی، مجید حضرتی و محسن عدالت.

که آنان نیز در تصحیح و تدوین این اثر به نحوی حقیر را یاری رساندند، بی‌نهایت سپاس‌گزارم.

تقدیم به:

همسرم که «ناهِیدوار»
نغمه‌های آرامش را بر زندگی‌مان
جاری ساخت و دخترم «فاطمه»
که نامش همواره یاد «مادرم» را
برایم زنده نگه می‌دارد، روحش
شاد.

چکیده

سِلک الجواهر اثر عبدالحمید بن عبدالرحمان اَنگُوری، متخلص به «حمید»؛ فرهنگنامه‌ای منظوم (عربی به فارسی) از قرن 8ه.ق است که به تقلید از نصاب الصبیان ابونصر فراهی و نصیب الفتیان حسام‌الدین خویی نگاشته شده است. این فرهنگنامه دارای دیباچه و 35 بند/قطعه که هر قطعه در وزن خاصی به نظم کشیده شده است. تعداد ابیات اثر روی هم رفته 550 بیت به همراه 35 بیت تلخیص، جمعاً 585 بیت می‌باشد. البته این رقم در دست‌نویس‌ها متغیر است. این اثر تاکنون مورد تصحیح و تنقیح قرار نگرفته است. با بررسی و جستجوهای صورت گرفته، قریب به 24 دست‌نویس از سِلک الجواهر در کتابخانه‌های ایران و جهان شناسایی گردید که احتمال می‌رود شمار دست‌نویس‌های اثر بیش از این‌ها باشد. با پیگیری‌ها و مکاتبات صورت گرفته 11 دست‌نویس آقدم گردآوری شد و با بررسی این دست‌نویس‌ها 8 دست‌نویس برای تصحیح و مقابله انتخاب شد. این اثر به شیوه مبنا قرار دادن دست‌نویس اساس تصحیح گردید و بیش‌میزان وفاداری به دست‌نویس اساس است. کهن‌ترین و صحیح‌ترین دست‌نویس، دست‌نویس کتابخانه مارچانای ونیز ایتالیا، به تاریخ تحریر 847ه.ق می‌باشد که میکروفیلم آن به شماره 4175/1 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. دست‌نویس مذکور، دست‌نویس اساس قرار گرفت. و بر اساس اهمیت، قدمت و صحت، از دست‌نویس‌های: کتابخانه ملی آنکارا به شماره 176 (تاریخ تحریر 874ه.ق)؛ کتابخانه آیت‌الله فاضل، خوانسار به شماره 260/5 (تاریخ تحریر 881)؛ کتابخانه زیتون‌اوغلی شهر دوشانلی کوتاهیه به شماره 999/2 (تاریخ تحریر 888ه.ق)؛ کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره FY. 575 (بی‌تا)؛ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره 8541/1 (بی‌تا)؛ کتابخانه ملی ایران به شماره 21047 (بی‌تا)؛ کتابخانه مجلس به شماره 9512/2 (بی‌تا)؛ به عنوان دست‌نویس‌های بدل، در استنساخ بهره گرفته شد. افزون بر این، مقدمه و تعلیقاتی نیز بر این اثر تنظیم گردید. در مقدمه به شرح احوال و آثار مؤلف، معرفی دست‌نویس‌های آثار وی و اوضاع تاریخی-سیاسی آنکارا (موطن ناظم اثر) در قرن 8ه.ق، به علاوه به بررسی سبکی-محتوایی اثر پرداخته شد. در تعلیقات با بهره‌گیری از فرهنگ‌های فارسی و عربی، لغات، اصطلاحات و تعبیرات شرح داده شد و در پایان پیوست‌هایی از لغات ترکی‌ای که کاتبان و ناسخان این دست‌نویس‌ها در ذیل ابیات، لغات و حاشیه دست‌نویس‌ها درج و ضبط کرده‌اند، تنظیم گردید و در پیوست دیگری ابیات فارسی رساله منیه الواعظین و غنیه المتعظین، دیگر اثر مؤلف که به زبان عربی و در اخلاق نگاشته شده است و در خلال مباحث رساله مذکور این ابیات فارسی آورده شده بود؛ استخراج و ضبط گردید تا دریچه‌ای برای شناخت بیشتر اندیشه و احوال عبدالحمید بن عبدالرحمان انگوری باشد.

کلمات کلیدی: سِلک الجواهر، فرهنگنامه منظوم، عبدالحمید بن عبدالرحمن اَنگُوری، تصحیح انتقادی.

فهرست مطالب

1	مقدمه.....
2	1. بخش نخست: احوال و آثار مؤلف.....
2	1.1 نام، عنوان، تولد، وفات، کیش و آیین.....
4	2.1 آثار عبدالحمید بن عبدالرحمان انگوری.....
4	1.2.1 سلک الجواهر.....
5	2.2.1 مُلتمسات.....
6	3.2.1 منیة الواعظین و غنیة المتعظین.....
7	3.1 اوضاع تاریخی-سیاسی آنکارا؛ موطن مؤلف در قرن 8 ه.ق.....
9	2. بخش دوم: معرفی دست‌نویس‌های سلک الجواهر.....
12	3. بخش سوم: چند نکته دستوری و محتوایی درباره سلک الجواهر.....
16	1.3 روش عبدالحمید در منظوم ساختن لغات.....
18	4. بخش چهارم: روش تصحیح و دست‌نویس‌های تصحیح حاضر.....
28	1.4 شیوه نشانه‌گذاری/علائم سجاوندی در متن.....
29	2.4 رسم الخط و ویژگی املائی در تصحیح حاضر.....
29	3.4 تصاویر آغازین و انجامین دست‌نویس‌ها.....
42	4.4 علائم اختصاری دست‌نویس‌ها.....
43	متن اصلی.....
44	دبیاچه.....
47	قطعه 1.....
48	قطعه 2.....
54	قطعه 3.....
58	قطعه 4.....
63	قطعه 5.....
66	قطعه 6.....
69	قطعه 7.....
72	قطعه 8.....
77	قطعه 9.....
81	قطعه 10.....
84	قطعه 11.....
90	قطعه 12.....
93	قطعه 13.....
96	قطعه 14.....

99	15	قطعة
103	16	قطعة
108	17	قطعة
111	18	قطعة
116	19	قطعة
118	20	قطعة
121	21	قطعة
123	22	قطعة
127	23	قطعة
130	24	قطعة
134	25	قطعة
137	26	قطعة
140	27	قطعة
143	28	قطعة
146	29	قطعة
148	30	قطعة
150	31	قطعة
152	32	قطعة
155	33	قطعة
159	34	قطعة
162	35	قطعة
168		تعليقات (شرح لغات و اصطلاحات)
214		پیوست شماره 1. لغات ترکی 4 دست نویس
254		پیوست شماره 2. اشعار فارسی منية الواعظین و غنية المتعظین
260		منابع
265		چکیده انگلیسی

● مقدمه

1. بخش نخست: احوال و آثار عبدالحمید بن عبدالرحمان آنگوری

1.1 نام، عنوان، تولد، وفات، کیش و آیین

عبدالحمید بن عبدالرحمان آنگوری (Abdulhamid b. Abdur rahmarn El-enguri\ Ankaravi)

عبدالحمید فرزند عبدالرحمان آنگوری، متخلص به حمید (ای حمید این نظم گوهر بر تو زبید در یقین/ زآنکه در نظم لغت مثلت نباشد بی گمان؛ سلک الجواهر: بیت 109)؛ شاعر پارسی گوی عثمانی، واعظ، محدث، نویسنده و لغت‌شناس قرن 8 ه.ق (زنده در 763 ه.ق) می‌باشد. (حاجی خلیفه، بی تا: 997/2؛ باشا البغدادی، 1951: 506/1 ؛ brockelmann, 1938: 2/313؛ کخّاله، 1377ق: 100/5 و 101؛ تهامی، 1385: 556)

اطلاع چندانی از احوال عبدالحمید در منابع نیست. در تمامی دست‌نویس‌های موجود، عنوان وی «آنکوری» ضبط گردیده که تصحیفی از صورت «آنگوری» است. شایان ذکر است در دست‌نویس‌ها و آنچه در تذکره‌ها آمده است؛ صورت‌های گوناگونی نظیر: آنکوری، آنگوری، انقروی و انقودی می‌باشد که همگی دالّ بر آنکاری بودن مؤلف است. (انوشه، 1375: 575/6؛ ریاحی، 1390: 140؛ دهخدا، 1325: 351/1) باید توجه داشت در متون فارسی نام آنکارا به صورت‌های آنگوری، آنگوریّه، آنقره (به پیروی از تلفظ عربی) و اخیراً به صورت آنکارا آمده است. در ترکی نیز، آنگره، انگورو، آنگوری، آنگوریّه و آنکارا و در عربی آنقره، آنقوریّه، صورت‌هایی از نام آنکارا است. (موسوی بجنوردی، 1374: 228/2) بدین ترتیب در ضبط عنوان عبدالحمید، صورت قدیمی و اصیل وی انتخاب گردید.

سال تولد و وفات عبدالحمید به کلی مشخص نیست؛ اما در باب کیش و مذهب او، با توجه به آثار در دسترس از وی، می‌توان اینگونه استنباط کرد که وی از پیروان مذهب تسنن بوده است. دلایل این استنباط را چنین بر می‌شماریم:

نخست: در مقدمه سلک الجواهر قرآن مبین را قدیم دانسته است، این در حالی است که مذهب تشیع چنین اعتقادی ندارد. (برای اطلاع بیشتر ر.ک: فرهنگ علوم عقلی، سید جعفر سجادی: 209-206 و 462 و 463)

دو دیگر: در منیة الواعظین و غنیة المتعظین از تمامی صحابه حتی امیر المومنین علی(ع) و تابعین از لفظ تمجید و بزرگداشت «رضی الله عنه» و «رضی» یاد می‌کند. (دست‌نویس منیة الواعظین و غنیة المتعظین به شماره 3452/2، ب 23، کتابخانه آیت الله مرعشی قم)

و سه دیگر: غالب احادیث و روایاتی که در منیة الواعظین و غنیة المتعظین آمده است به اذعان مؤلف از صحیح مسلم و صحیح بخاری استخراج گردیده است. نظیر: «أخرج مسلم و البخاری...» (همان: 44).

افزون بر این، به قرینه موطن مؤلف (محل تولد شاعر) که آنکارا است و دو بیت ترکی از عبدالحمید که در انجامة دست‌نویس منية الواعظین و غنية المتعظین آمده است:

هر که حمامه گلور غمگین گرور شادان چقر
لیک تشبیهین اُنوک آگلامیان نادان چقر
دنیا نوک اوکی صوکینه بکزیان حمّام دُر
کم بو مخلوقات اکا عریان گرور عریان چقر
(همان: 50)

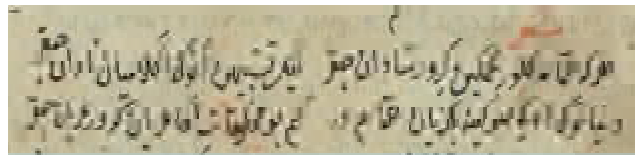
ترجمه:

هر آنکس که به حمّام آید غمگین وارد می‌شود و شادان خارج

اما تشبیه این کلام را آنکس که نفهمد، نادان خارج می‌شود

به آب و خانه دنیا مشابه، حمّام است

که خلائق بدان عریان وارد می‌شوند و عریان خارج



تصویر شماره 1.1.1. شعر مذکور در انجامة دست‌نویس.

این احتمال می‌تواند متصور باشد که زبان مادری عبدالحمید ترکی رایج در قرن هشتم هجری بوده است. علاوه بر این، نفوذ زبان فارسی در قلمرو عثمانی ادبایی همچون عبدالحمید را در دامن خود پرورده است. او به زبان فارسی و عربی تسلط کافی داشته است؛ لذا، با هدف آموزش دو زبان فارسی و عربی برای ترک زبانان آن سامان، سلک الجواهر را به تقلید از نصاب الصبیان ابونصر فراهی، به رشته نظم درآورده است.

از دیگر نکات شایان ذکر در باب عبدالحمید، اشاره به لغت شناسی کم نظیر و پای‌بندی بسیار وی به اخلاق است. مؤید این گفته افزون بر فرهنگنامه منظوم سلک الجواهر که خاصه در لغت فارسی و عربی است، وی در منية الواعظین و غنية المتعظین که اثری اخلاقی است؛ زمانیکه در ذیل حکایتی یا روایتی نام شخصی را می‌آورد که برای خواننده مجهول یا ناآشناست اعراب (شکل گذاری) آن واژه را نیز متذکر می‌شود، نظیر: «مسلم عباده، بضم العين المهمله و تخصیص الباء الموحده و الصامت بالصاد المهمله و التاء المثناه من فوق الحکایه». (همان: 12) و گواه برای پای‌بندی او به اخلاق، می‌تواند ابیات پایانی یا به عبارت دیگر ابیات تخلص قطعات سلک الجواهر

باشد که او به مثابه معلم اخلاق اندرز می‌دهد. به علاوه ابیات فارسی رساله منیه الواعظین و غنیه المتعظین که در پیوست پایانی آمده است مبین این ادعا است. این ابیات آکنده از آموزه‌های اخلاقی است.

2.1 آثار عبدالحمید بن عبدالرحمان انگوری

آثار عبدالحمید بن عبدالرحمان انگوری عبارتند از:

1. سلک الجواهر؛ در لغت به سال 757 ه.ق

2. مُلتمسات؛ درخواست‌نامه منظوم به سال 758 ه.ق

3. منیه الواعظین و غنیه المتعظین؛ در اخلاق به سال 763 ق

4. المعشرات در حدیث نبوی

5. الخمسات در حدیث نبوی

از دو رساله اخیر، المعشرات و الخمسات تنها در مقدمه منیه الواعظین و غنیه المتعظین از آنها نام برده می‌شود و در کتابخانه‌ها دست‌نوشته‌ای از آن دو رساله یافت نشد. عبدالحمید در دیباجه منیه الواعظین و غنیه المتعظین اینگونه می‌نویسد: «أما بعد، فلما اتممت كتاب المعشرات و الخمسات فی الاحادیث النبویه، تالیفاً أردت أن أجمع أربعین باباً و الخ» (دست‌نویس منیه الواعظین و غنیه المتعظین به شماره 3452/2، ب 11، کتابخانه آیت الله مرعشی قم). عبارت فوق بیانگر این نکته است که کتاب‌های المعشرات و الخمسات قبل از منیه الواعظین و غنیه المتعظین (763 ق) نوشته شده است.

2.1.1 سلک الجواهر

سلک الجواهر فرهنگنامه منظومی است که به تقلید از نصاب الصبیان ابونصر فراهی و نصیب الفتیان حسام‌الدین خویی، در سال 757 ق (حمید این را به سال هفتصد و پنجاه و هفت اندر / به اتمامش رسانیدی به عون خالق و یزدان) نوشته است. در اکثر دست‌نویس‌های این اثر نام فرهنگنامه، سلک الجواهر آمده است؛ اما در دیباجه مُلتمسات با عنوان «نصیب الاخوان» از این اثر یاد شده است. (علیزاده خیاط؛ ایمانی، 1393: 19) به این ترتیب این احتمال می‌رود که نام دیگر اثر نصیب الاخوان باشد که از جانب دوستان و یا کاتبان به این اثر اطلاق شده است یا آنکه کاتب سلک الجواهر را با اثری با همین عنوان از سراینده‌ای به نام مطهر (قرن 8 ه.ق) اشتباه گرفته است.

اثر حاضر، پس از دیباچه‌ای منشور در 35 قطعه تنظیم و منظوم گردیده است. این 35 قطعه روی هم رفته شامل 585 بیت می‌شود که 550 بیت شرح و بیان لغت است و به موازات قطعات، 35 بیت تلخیص، در پایان هر قطعه آورده شده است. این قطعات در اوزان و بحور مختلفی نظیر: رمل، هزج، منسرح، رجز، سریع و... منظوم گردیده‌اند. در ادامه این مقدمه به صورت تفصیلی به سلک الجواهر خواهیم پرداخت. همانطور که اشاره شد، عبدالحمید سلک الجواهر را در سلخ ماه جمادی الآخر سال هفتصد و پنجاه و هفت نگاشته است و با دو بیت ذیل اثر را به پایان می‌برد:

شُکر به ایزد که این نسخه به آخر رسید
 جمله هنرمند را تحفه فاخر رسید
 دُرّ و صدف را ثمن هست، ولی دُرّ مَن
 قابل آن نیست، کو از دل زاخر رسید

2.2.1 مُلتمسات

مُلمتسات به درخواست‌نامه‌های منظومی گفته می‌شود که شاعر در قالب آن‌ها خواسته خود را از ممدوح و مخاطب خود درخواست می‌کند. دومین اثر عبدالحمید بن عبدالرحمان انگوری، مُلمتسات وی است که به فاصله یک سال (جمادی الاولی 758 ه.ق) پس از اتمام سلک الجواهر آن را تنظیم و منظوم گردانده است. این اثر، از کهن‌ترین نمونه‌های شناخته شده در شعر پارسی است که به تقلید از حسام‌الدین خوبی نگاشته شده است. روی هم رفته مُلمتسات عبدالحمید، دیباچه کوتاه به همراه «صد رباعی» عنوان شده است که ظاهراً منظور از رباعی، قالب شعری رباعی نبوده است؛ بلکه اشعاری مشتمل بر چهار بیت است. مُلمتسات حاوی یکصد قطعه شعر است و از آن شمار، تعداد چهار قطعه در قالب و وزن رباعی و بقیه اشعار در قالب قطعات مقفاً با اوزان مختلف است. (علیزاده خیاط؛ ایمانی، 1393: 14)

یگانه دست‌نویس این اثر در ضمن مجموعه شماره 5384 کتابخانه فاتح استانبول نگهداری می‌شود. کاتب آن، احمد بن بخشایش بن عبدالله در سال 871 ه.ق به نسخ تحریری می‌باشد. (حسینی، 1392: 486 و 487) این اثر به تصحیح ناصر علیزاده خیاط و بهروز ایمانی از سوی انتشارات میراث مکتوب به چاپ رسیده است. البته ناگفته نماند که مصححان محترم عنوان «انگوری» را برای عبدالحمید برگزیده‌اند که بهتر می‌بود صورت کهن‌تر و اصیل‌تر واژه برگزیده می‌شد.

در اینجا برای آشنایی بیشتر با مُلمتسات انگوری چند نمونه آورده می‌شود:

التماس بادام

احسان تو گشته است چون دام
بگرفته چو مرغ، خاص و هم عام
مأمول مرا شنو که هست او
از بهر حریره، مغز بادام
(علیزاده خیاط؛ ایمانی، 1393: 24)

التماس انگور

سرورا! تدبیر و کارت از خدا منصور شد
دوستان شاد گشته، دشمنان کور شد
از فواکه، هر یکی را دیده‌ایم از خیر تو
این دم، اندر آرزوی بندهات انگور شد
(علیزاده خیاط؛ ایمانی، 1393: 26)

التماس ابریشم

ای شده در قلب‌ها، روز و شب اندر و دود
امر خدا را شدی، با دل و جانت و دود
کرد توقّع ره‌ی، از در انعام تو
آنچ ز لطف خدا، مصدر او هست دود
(علیزاده خیاط؛ ایمانی، 1393: 33)

3.2.1 منیة الواعظین و غنیة المتعظین

منیة الواعظین و غنیة المتعظین رساله‌ای است به زبان عربی در اخلاق و مواعظ که در چهل باب تنظیم گردیده است. هر باب به کسب فضیلتی یا ترک رذیلتی اختصاص دارد. شیوة تدوین اثر به گونه‌ای است که در هر باب، نخست حدیث/احادیثی نقل می‌شود، پس از آن حکایت/حکایاتی مرتبط با موضوع باب مذکور آورده می‌شود و در آخر فوایدی از احوال متقدمین و اقوال متبحرین افزوده می‌شود.

رساله در 40 باب تنظیم گردیده است که موضوع ابواب آن به شرح ذیل است:

1. فی کلمة توحید 2. فی الصلوة علی النبی علیه الصلوة و السلام 3. فی تسبیح و ذکر الله تعالی 4. فی الصلوات الخمس 5. فی الصلوة الجمعه 6. فی اخلاص العمل و ترک الریا 7. فی الطلب العلم 8. فی ترک العمل بالعلم 9. فی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر 10. فی العدل 11. فی الظلم 12. فی الاجتناب عن صحبتہ الامراء 13. فی الورع 14. فی الکسب 15. فی القناعة 16. فی التوکل 17. فی الحرص 18. فی الذم المال 19. فی الفقراء 20. فی الشکر و الصبر

على الشدة 21. فى اكرام الضيف و الجار و فضيلة اللقمه 22. فى السخاوة 23. فى المحبة 24. فى الجهاد 25. فى الحج 26. فى النكاح 27. فى حسن الخلق 28. فى الحلم و الرفق 29. فى كظم الغيظة 30. فى الغيبة 31. فى الحسد 32. فى الكبر و التواضع 33. فى صلة الرحم 34. فى الحياء 35. فى الزجر عن الضاحك 36. فى النهى عن شرب الخمر و بيان ثواب التوبه 37. فى ذكر الموت و الاستعداد 38. فى الصبر على المصيبة 39. فى عذاب القبر 40. فى رجاء المغفرة.

اين اثر به رغم آنكه به زبان عربى نوشته شده است؛ آكنده از ابیات فارسى است و در خلال حكایات و روایات به فور اشعار فارسى به چشم مى خورد كه برخى از آنها، به اشاره صريح وى از آن خود اوست. بنا بر اهميت اين اشعار، آنها را استخراج و ضبط نموده و در پيوست شماره 2 تعليقات آورده ايم. افزون بر آنچه درباره منية الواعظين و غنية المتعظين گفته شد احاديث بسيارى نيز در اين اثر آمده است و به طور كلى روح تسنن بر اين اثر حاكم است و اين احتمال متصور است كه عبدالحميد مسلمانى سنى مذهب باشد. او در بهره گيرى از منابع صريحاً اشاره مى كند كه فلان حديث را از صحيح مسلم و يا صحيح بخارى نقل مى كند. براى نمونه: « اخرجہ البخارى و مسلم فقولہ مستجمعاً...». (دست نويس منية الواعظين و غنية المتعظين به شماره 3452/2، ب 44. كتابخانه آيت الله مرعشى قم)

دست نوشته اى چند از منية الواعظين و غنية المتعظين در كتابخانه هاى دنيا، به ويژه تركيه محفوظ است (نك: معجم، ج 2، ص 1544 (ش 4300)) و تنها يك دست نويس از اين اثر در ايران موجود است كه به شماره 3452/2 كتابخانه آيت الله مرعشى نگهدارى مى شود كه به خط بخشايش بن محمد بن بخشايش بن عاشق پاشا و تاريخ تحرير آن 934 ق است. (حسينى اشكورى، مرعشى نجفى، 248/9)

در پايان اشاره به اين نكته خالى از فايده نيست، عبدالحميد منية الواعظين و غنية المتعظين را در بحبويه سال هاى پُر آشوب آنكارا نوشته است. آنكارا در همين سال هاست كه توسط شاهان عثمانى فتح مى شود و قدرت از اميران محلى ايلخانى (قرامانيان) به عثمانيان مى رسد. (موسوى بجنوردى، 1374: 231/2) سال تحرير منية الواعظين، اوائل جمادى الاول سال 763 ق است. (دست نويس منية الواعظين و غنية المتعظين به شماره 3452/2، ب 11، كتابخانه آيت الله مرعشى قم).

3.1 اوضاع تاريخى - سياسى آنكارا؛ موطن مؤلف در قرن 8 ه.ق

آنكارا پايتخت كنونى تركيه، تاريخ پر شيب و فرازى داشته است. اين شهر كه روزى ميزبان گريختگان حمله مغول بود. (بهار، 1390: 400/2) قبل از آنكه پايتخت تركيه شود فاقد رشد و توسعه كنوانى بوده است؛ اما امروزه آنكارا يكي از پيشرفته ترين شهرهاى تركيه محسوب مى شود. (موسوى بجنوردى، 1374: 232/2)

در تاريخ تركيه (آسيای صغير) از اوائل قرن هشتم تا قرن دهم هجرى به عنوان دوره «اميرنشينان» تلقى مى شود و چنانكه از اسم و عنوان نيز معلوم است، در اين دوره آسيای صغير از نظر سياسى قطعه قطعه شده بود.

باید خاطرنشان کرد، دورهٔ ما قبل عثمانی در تاریخ ترکیه، به اذعان مورخان ترک و غرب، دوره‌ای خاکستری است به همین سبب مورخان کمتر در این باره نوشته‌اند و غالباً این دوره را به سکوت گذرانده‌اند. شاید کمبود و ناکافی بودن منابع مربوط به این دوره سبب این بی‌اعتنایی و بی‌علاقه‌گی مورخان بوده است. (مفتاح؛ ولی، 1374: 119)

در اواخر قرن هفتم هجری اگرچه به ظاهر امیران سلجوقی بر آنکارا فرمان می‌راندند؛ اما در حقیقت قدرت واقعی در دست سازمان مُتفد از بازرگانان توانگر و رؤسای اصناف به نام جماعت «أخیان» بود. اخیان که احتمالاً از طریقت فتوت بغداد منشعب شده بودند، پس از ورود به آناتولی به فعالیت‌های صنعتی و تجاری پرداختند و رفته رفته صاحب نفوذ و اقتدار شدند به گونه‌ای که به شاهان سلجوقی چندان وقعی نمی‌نهادند و پیش‌تر از حکمرانان مغول (ایلخانان) فرمان می‌بردند. (موسوی بجنوردی، 1374: 230/2؛ کوپریلی، 1385: 265)

از شخصیت‌های معروف اخیان، اخی شرف الدین (د 781 ه.ق) بود که ظاهراً برجسته‌ترین شخصیت زمان خود بود. پس از بر افتادن ایلخانان که آنکارا بخشی از متصرفات علاء الدین یرتتا، امیر سیواس، و جانشینان او شد. فرقهٔ اخیان همچنان قدرت خود را حفظ کردند. در واقع می‌توان گفت تسلط ایلخانان و یرتتاییان بر آنکارا اشغالی نظامی و به منظور گرفتن مالیات بوده است و الاً این اخیان بودند که قدرت واقعی را در دست داشتند. (موسوی بجنوردی، 1374: 230/2 و 231)

آنکارا نخستین بار در سال 755/ق 1354م در زمان اورخان و فرزندش سلیمان پاشا به تصرف عثمانیان درآمد؛ اما وقایع نگاران عثمانی خود ذکر می‌کنند که این مطلب نکرده‌اند. بنابراین آنکارا ابتدا 755ق و پس در سال 762ق به دست عثمانیان افتاد. (همان: 321/2) مراد اول، پادشاه عثمانی بود که در سال 762ق آنکارا را از قرامان بازستاند. (شاو، استانفورد؛ شاو، ازل، 1370: 49/1؛ سامی، 1306ق: 440/1؛ GÜRAN, 1991: 205&204/3) از دیگر رخداد‌های مهمی که در این سالها اتفاق افتاد آن بود که در سال 757ق مقارن با سال تألیف سِلک الجواهر، سلیمان پاشا، پسر اورخان بیگ عثمانی از طریق چاناق قلعه (داردانل) به آن سوی تنگه دست یافت و اینچنین پای عثمانیان به قارهٔ اروپا باز شد. (مفتاح؛ ولی، 1374: 167)

بدین ترتیب عبدالحمید در سالهای پرآشوب آنکارا، سِلک الجواهر را نگاشته است و پس از گذشت یک سال از فتح آنکارا توسط سلاطین عثمانی، وی منیة الواعظین و غنیة المتعظین را نوشته است. آثار عبدالحمید به پادشاه، امیر یا بزرگ‌زاده‌ای تقدیم نشده است، به گمان نگارنده نظر به باب 12 منیة الواعظین: فی الاجتناب عن صحبته الامراء، می‌توان گواه خوبی برای کناره‌گیری وی از امرا و سلاطین باشد. در حقیقت وی معلم اخلاق بوده است و ملتسمات وی تفننی بیش به نظر نمی‌رسد که از حسام‌الدین خوبی آن‌ها را تقلید کرده است. از سوی دیگر شهر در حال گذار و انتقال قدرت است و احتمالاً به اصطلاح «قحط الرجال» دولتی، مجال عَرَضهٔ آثار را نداده است یا شاید امیران عثمانی در حال گسترش قلمرو سرزمینی خود بوده‌اند و وقعی به هنرمندان آنکارا ننهاده‌اند.

2. بخش دوم: معرفی دست‌نویس‌های سلک الجواهر

سلک الجواهر اثری است که به احتمال زیاد در آسیای صغیر (ترکیه) تحریر شده است و این احتمال می‌رود که بیشتر دست‌نویس‌های اثر در آن سامان باشد. در ایران نیز دست‌نویس‌های قابل توجهی از سلک الجواهر در دسترس است که در ادامه به آن‌ها اشاره و به تفصیل ویژگی‌های این دست‌نویس‌ها ارائه می‌شود.

تا کنون قریب به 24 دست‌نویس از سلک الجواهر در کتابخانه‌های ایران و جهان شناسایی گردیده است، که 9 دست‌نویس در کتابخانه‌های ایران، 2 دست‌نویس در کتابخانه‌های عراق و 13 دست‌نویس در کتابخانه‌های ترکیه نگهداری می‌شود و این احتمال می‌رود که دست‌نویس‌های بیشتری از سلک الجواهر در کتابخانه‌ها و مجموعه‌داران موجود باشد که تا کنون فهرست نشده‌اند. باید خاطر نشان کرد اکثر دست‌نویس‌های ترکیه و حتی یک دست‌نویس کتابخانه ملی ایران تا کنون فهرست نشده‌اند بلکه اطلاعات برگه‌دانی و فیش‌های فهرست‌نگاران است که بر روی تارنما/سایت‌های این کتابخانه‌ها قرار گرفته است.

ابتدا 24 دست‌نویس مذکور را به صورت اجمالی معرفی کرده و سپس به توصیف مفصل دست‌نویس‌های در دسترس که در این تصحیح به کار گرفته شده‌اند می‌پردازیم.

الف) ایران:

به منظور یافتن دست‌نویس‌های سلک الجواهر از فهرست فنخا (فهرستگان نسخه‌های خطی ایران)، دنا (فهرستواره دست‌نویس‌های ایران) و فهرست نسخه‌های خطی فارسی مرحوم منزوی بهره جستیم که گزارش اجمالی این جستار در ذیل می‌آید. (ر.ک: درایتی، 1391: 1350/18 و 351؛ همو، 1389: 186/6؛ منزوی، 1348: 1991/3)

1. دست‌نویس شماره: 4175/1 (میکروفیلم)، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تاریخ تحریر: 857ق کاتب: عبدالله الاماسی.

اصل دست‌نویس در کتابخانه ملی مارچانای ونیز نگهداری می‌شود و طی نمایشگاهی که به همکاری کتابخانه مذکور و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در سال 1352 برگزار شده این دست‌نویس فیلمبرداری شده است و اکنون میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. (بهارلو، 1366: 36؛ تیه پولو، 1352: 40؛ دانش پژوه، 1348: 25/3)

2. دست‌نویس شماره: 260/5 کتابخانه آیت‌الله فاضل خوانساری، تاریخ تحریر: 881ق کاتب: ابوالقاسم بن جمال الدین.

تاریخ تحریر این دست‌نویس به اشتباه 885ق ضبط شده است. در ترقیمه و انتهای مجموعه تاریخ مذکور آمده است؛ اما مجموعه در سال‌های مختلفی نگاشته شده است و فهرست‌نگاران محترم به این مسئله دقت کافی نداشته‌اند. در ترقیمه سلک الجواهر، در این مجموعه پس از انجامه، به خط کاتب سال 881ق: احدی و ثمانین و ثمانیمائه هجری الرسول النبویه. مرقوم گردیده است. (فاضلی؛ حسینی اشکوری، 1374: 237/1) این نکته را باید افزود که دست‌نویس عکسبرداری شده این مجموعه به شماره 257/6 در مرکز احیاء میراث اسلامی نگهداری می‌شود. (حسینی اشکوری، جعفر؛ حسینی اشکوری، صادق، 1377: 294/1 و 295)

3. دست‌نویس بدون شماره مرحوم حسین شهشانی، تاریخ تحریر: 1071ق؛ بی‌کاتب.
4. دست‌نویس شماره: 9512/2 کتابخانه مجلس شورای اسلامی، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.
5. دست‌نویس شماره: 2016/37 (میکروفیلم) کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

اصل این دست‌نویس در یوگسلاوی سابق نگهداری می‌شود و تنها از برگ نخست و برگ پایانی دست‌نویس فیلمبرداری شده است. (ر. ک: دانش پژوه، 1348: 638/1)

6. دست‌نویس شماره: 8584/1 کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، بی‌تاریخ؛ کاتب: [مولانا محمد عبدالفتاح].
7. دست‌نویس شماره: 21047 کتابخانه ملی ایران، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.
8. دست‌نویس شماره: 420/8 کتابخانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی قم، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.
9. دست‌نویس شماره: 2676/2 کتابخانه ملی تبریز، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

ب) عراق:

در میان فهرس موجد از دست‌نویس‌های عراق تنها در دو فهرست فهرس مخطوطات مکتبه الأوقاف العامه فی الموصل و الآثار الخطیه فی المکتبه القادریه فی جامع الشیخ عبدالقادر الکیلانی سلک الجواهر موجود بود که در ذیل معرفی می‌شود (قره بلوط، علی الرضا؛ قره بلوط، احمد طوران، 2002م: 1544/2)

1. دست‌نویس شماره: 1527 مکتبه القادریه بغداد (فی جامع الشیخ عبدالقادر الکیلانی)، تاریخ تحریر: 929ق؛ بی‌کاتب. (عبدالاسلام رؤوف، 1980م: 419/5)
2. دست‌نویس شماره: 2/103/22 مکتبه الاوقاف العامه فی الموصل، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب. (عبدالرزاق احمد، 1402ق: 173/3)

ج) ترکیه:

جستار در میان فهرس دست‌نوشته‌های ترکیه محدود به فهرس مهم نظیر: معجم التاريخ التراث اسلامی فی مکتبات العالم (المخطوطات و المطبوعات) محدود نشد، از این رو پژوهش در تارنما / وب سایت کتابخانه‌های مهم ترکیه و بانک اطلاعات دست‌نویس‌های موجود در ترکیه یعنی yazmalar ادامه یافت و نتیجه آن در ذیل آورده می‌شود. (ر.ک: قره بلوط، علی الرضا؛ قره بلوط، احمد طوران، 2002م: 1544/2؛ <https://dijital-kutuphane.mkutup.gov.tr> ; <https://www.yazmalar.gov.tr>)

1. دست‌نویس شماره: 176 کتابخانه ملی آنکارا، تاریخ تحریر: 874ق؛ کاتب: علی بن محسن بن الیاس.
2. دست‌نویس شماره: 999/2 کتابخانه زیتون اوغلی شهر دوشانلی کوتاهییه، تاریخ تحریر: 888ق؛ بی‌کاتب.
3. دست‌نویس شماره FY 575 کتابخانه دانشگاه استانبول، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.
4. دست‌نویس شماره: 890/1 کتابخانه ملی آنکارا، مجموعه کتابخانه عمومی شهر اردو (انتقال یافته)، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.
5. دست‌نویس شماره: 7025 موزه مولانا، قونیه، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب. (ر.ک: GÖLPINARLI, 1994: 78/4)
6. دست‌نویس شماره: 530/3 کتابخانه فرهنگستان زبان ترک، آنکارا، تاریخ تحریر: 1080ق؛ بی‌کاتب.
7. دست‌نویس شماره: 735/2 کتابخانه سلیمانیه، استانبول، مجموعه کتابخانه عمومی آنتالیا (انتقال یافته)، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.
8. دست‌نویس شماره: 219 کتابخانه فرهنگستان زبان ترک، آنکارا، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.
9. دست‌نویس شماره: 5150/1 کتابخانه فرهنگستان زبان ترک، آنکارا، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.
10. دست‌نویس شماره: 1895/1 کتابخانه عمومی حسن پاشا، شهر چروم، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.
11. دست‌نویس شماره: 2721 کتابخانه عمومی مغنیسا (منیسا)، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب. (ر.ک: سبحانی، 1366: 102)
12. دست‌نویس شماره: 522 کتابخانه ملّت، استانبول، مجموعه علی امیری، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.
13. دست‌نویس شماره: 525614 کتابخانه عمومی شهر قونیه، بی‌تاریخ؛ بی‌کاتب.

از میان دست‌نویس‌های نامبرده شده؛ 8 دست‌نویس از 9 دست‌نویس ایران و 3 دست‌نویس آقدم ترکیه؛ جمعاً 11 دست‌نویس گردآوری شد. از میان دست‌نویس‌های ایران، تنها دست‌نویس حسین شهشانی را در اختیار نداشتیم؛ البته نبود این دست‌نویس خللی به کار تصحیح وارد نمی‌کند بدان سبب که مرحوم علینقی منزوی این دست‌نویس را بررسی کرده‌اند و طی گزارشی که در کتاب فرهنگنامه‌های عربی به فارسی، از این دست‌نویس

می‌دهند خاطر نشان می‌کنند که اثر دارای 28 قطعه و 498 بیت می‌باشد. (منزوی، 1337: 162) این در حالی است که سلک الجواهر دارای 35 قطعه و 585 تا 590 بیت است. افزون بر این محل نگهداری این دست‌نویس مشخص نیست، می‌توان گفت سابقاً فرزند آقای شهشهانی از این دست‌نویس‌ها نگهداری می‌کرده‌اند. (جعفریان، 1376: 603 و 596/5)

دست‌نویس‌های عراق دست‌یاب نشد. یکی از دست‌نویس‌ها در شهر جنگ‌زده موصل قرار دارد که سرنوشت کتابخانه آن مبهم است و دیگری طی پیگیری‌های صورت گرفته در زمان صدام حسین و بعثی‌ها از مزار شیخ عبدالقادر گیلانی به جای دیگری منتقل شده است. البته باید افزود که تاریخ یکی از دست‌نویس‌ها بیانگر متاخر بودن آنهاست و نبود آن دست‌نویس خللی به تصحیح وارد نمی‌کند.

در میان دست‌نویس‌های ترکیه، 3 دست‌نویس که آقدم دست‌نویس‌ها بودند با پیگیری‌های صورت گرفته دست‌یاب شد که عبارتند از:

1. دست‌نویس کتابخانه ملی آنکارا به شماره 176 و تاریخ تحریر: 874ق

2. دست‌نویس کتابخانه زیتون اوغلی شهر دوشانلی کوتاهیه به شماره 999/2 و تاریخ تحریر: 888ق

3. دست‌نویس کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره 575 FY (بی‌تا).

دست‌نویس سوم بدان جهت انتخاب شد که توفیق هاشم پور سبحانی این احتمال را داده‌اند که ظاهراً کهن‌ترین دست‌نویس شناخته شده این کتاب همین دست‌نویس است؛ اما دلیلی متقنی برای این گفته نیابوده‌اند و تنها در حد احتمال نوشتار وی باقی مانده است. (هاشم پور سبحانی؛ آق سو، 1374: 265)

روی هم رفته 11 دست‌نویس از این اثر گردآوری شد. از این 11 دست‌نویس نیز، دست‌نویس شماره 2016/37 تنها دارای برگ نخستین و انجامین بود و اصل اثر در یوگسلاوی سابق نگهداری می‌شود. (دانش پژوه، 1348: 638/1) بدین ترتیب 10 دست‌نویس برتر زمانی و کیفی از میان دست‌نویس‌های موجود انتخاب و گلچین گردید که در بخش چهارم به تفصیل معرفی خواهند شد.

3. بخش سوم: چند نکته دستوری و محتوایی درباره سلک الجواهر

سلک الجواهر با دیباچه منثوری آغاز می‌شود که با صنایع ادبی و هنری آراسته و مزین شده است و به شیوه نثر مسجع متمایل است. این صنایع ادبی عبارتند از:

1. طرد و عکس: الحمد لله الذی زین الانسان بالرأس و الرأس بالانسان.

2. تضمین: آیات 1-4 سورة مبارکه الرحمن.

3. درج عبارت «و بعد»، که نزد خطبای عرب رایج بوده است؛ این عبارت نوعی اختصار است بدین معنی:
پس از حمد و ثنای پروردگار سخنم را آغاز می‌کنم.
4. سجع سازی: * ناظم این جواهر طاهره و قایل این ابیات ظاهره * المقر علی ذنوبه الکبیره و المعترف علی دیونه الکثیره
5. تضمین المزدوج: * که وقتی از خاطر خطیر حاضر و دل ناصر بصیر ناظر عبور کرد. * به فصاحت لسان و کتابت بنان.
6. جناس: شاعرین عالمین و شاعری عالمین.
7. تشبیه: مهوور اعراس نظم، اضافه تشبیهی.
8. تلمیح: اشاره به حسّان شاعر النبی(ص): گلِ بهار را از گلزار چمن باطنم چون خود حسان همچون حسّان به فصاحت لسان و کتابت بنان از نقاب آکمام آزه‌ار به عنایت ملک پروردگار برگشایم.
9. به کار بردن کلمات متروک، کهن و کم کاربرد فارسی نظیر:

حُفْره: مِغاک ؛ بَواکِر: میخ‌های بامدادی ؛ لعاب: آمد بَفج ؛ تَصَعَّد: بَر شدن ؛ موزون: آست سنجیده ؛ عروج: بَر رفتن ؛ چه لهو و لعب؟ بازیدن ؛ کتابت: دان نِشْتِن ؛ دَسْت‌آبِرِنجِن: سوار (آلنگو)، کاره: پُشتواره، و بسیاری از کلمات دیگر که مجال ذکر آن‌ها در این مختصر نیست.

10. ترکیب‌سازی و به کار بردن ترکیبات نو که برای معانی کلمات عربی آمده است. مانند:

صانع: دَسْت‌کار ، مصلح: نِیک‌کار ، ضامر: باریک‌میان ، مُکَلَّم: گَرْدرو ، سائل: زبَان‌خواه ، حاضِنه و قابله: چون پیش‌یار و

افزون بر آنچه آورده شد، وی اشاره صریحی به صنایع بدیعی دارد: « بعض صنعت بدیع را مثل تجنیسات و مقلوبات و اشتقاق و غیرها به مرکب‌های گوناگون رقم زد.» این عبارت بیانگر آگاهی عبدالحمید از فنون و صنایع بلاغی است به علاوه همانطور که پیشتر اشاره شد او به خوبی با صرف و نحو عربی نیز آشناست. نمونه این آشنایی را می‌توان در عبارت ذیل از مقدمه و قطعه 32 سلک الجواهر به وضوح مشاهده کرد:

شاعری عالمین؛ حذف نون به سبب اضافه شدن / صاحبی نصیبین ؛ حذف نون به سبب اضافه شدن.

مطلع قطعه 32:

متیما و متی، آیان: کی، تتری: پیایی، ما: / چه و آن چیز، که: هل هست و این: گر چون لَو و لَولا

قطعات/قطع سلک الجواهر در اوزان و بحور مختلفی منظوم و تنظیم گردیده‌اند. این اوزان به شرح ذیل

است:

قطعه 1	الله: خدا، احد: یکی دان / حَى: زنده، رقیب: چون نگهبان
وزن قطعه	بحر هزج مسدس آخر مقبوض مکفوف؛ مفعول مفاعیلن مفاعیل
قطعه 2	ابتدا و افتتاح و فاتحت: آغاز کار / مَشَى: رفتن، كَسَس: رفتن، نَبَت: رُستن، شَأْن: کار
وزن قطعه	بحر رمل مثنی محذوف؛ فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن
قطعه 3	بیضه: بُود تخم مرغ، ماح چه؟ اسپید آن / مَح: بُود زرد او، مِلح: نمک، خُبز: نان
وزن قطعه	بحر منسرح مثنی مطوی مکشوف؛ مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلن
قطعه 4	جُرح: ریش و جرح: کسب، لحيه: ریش و ریش: پر / فرع: شاخ است، فرع: ترسیدن آمد، رطب: تر
وزن قطعه	بحر رمل مثنی محذوف؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
قطعه 5	جُرم و جریمه: گناه، خَمط: درخت آراک / کشف: گشادن، طنین: بانگ مکس، کعک: کاک
وزن قطعه	بحر منسرح مثنی مطوی موقوف؛ مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلات
قطعه 6	قریتان: مکّه است و طائف، ماه و خورشید: آزهرا / فقر و فرتوتی: آمران، شرق و خاور: خاقان
وزن قطعه	بحر رمل مثنی مقصور؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات
قطعه 7	صدق و صداقت: سُخْنِ راستین / قَن و قَنان: رُدن و کُم: آستین
وزن قطعه	بحر سریع مسدس مطوی مکشوف؛ مفتعلن فاعلن فاعلن
قطعه 8	اماکن: جای‌ها، مَستان: سکاری، صحو: هُشیاری / مَعونت: نصرت و عون و اعانت: نصر چون یاری
وزن قطعه	بحر هزج مثنی سالم؛ مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
قطعه 9	خُنثی: نر و ماده است و اُنثی: ماده و اُنثوه: هم نحو آست و حَجّ و عَمَد و خَرَد و قصد، دادر، همچو هم
وزن قطعه	بحر رجز مثنی سالم؛ مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
قطعه 10	تَرْقی و تَصَعُد: بَر شدن، موهوب: بخشیده / وَهوب و واهب و مَسْئول: بخشنده است و پرسیده
وزن قطعه	بحر هزج مثنی سالم؛ مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
قطعه 11	چون مکان و رِبَع و مغنی: مَنزل و عانی: اَسیر / جمع‌اش: اُسری و اُساری: مُشَبَّح و شعبان: سیر
وزن قطعه	بحر رمل مثنی محذوف؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
قطعه 12	حَیْنِئِد: آن زمان، بارحه: آمد چو دوش / لَهزمه: چانه شُمر، مَنکِب و عطف است: دوش
وزن قطعه	بحر منسرح مثنی مطوی موقوف؛ مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلن
قطعه 13	فیء و تَبَع: سایه، بَرجیس: مُشتری / چون خریدار است، دادر، مشتری
وزن قطعه	بحر رمل مسدس محذوف؛ فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
قطعه 14	شرعه: بدان روده و ناقِر چه؟ چنگ / ساعد و ید: هر دو آرش دان و چنگ
وزن قطعه	بحر سریع مسدس مطوی مکشوف؛ مفتعلن، مفتعلن، فاعلن
قطعه 15	حاجِب: اَبرو، نجو: اَبر و چون و طَر: حاجت، نیاز / لِفَت: شَلجَم و شَلغَم، فُجَل و بَصَل: تَرَب و پیاز